

بازار 70 میلیارد دلاری جواهرات هند در تیرس چابهار!

چابهارتایمز برای بررسی نقش ملی و بین المللی چابهار با ابوالفضل ظهروند، سفیر پیشین ایران در افغانستان و ایتالیا، گفتگویی انجام داده که در ادامه از نظر می گذرد:

در حال حاضر منطقه آزاد چابهار به عنوان قطب انرژی ایران به ویژه در خصوص محصولات پتروشیمی، چه بازارهای هدفی را میتواند پوشش دهد؟

محصولات پتروشیمی بازارهای گسترده ای دارد و چون در حوزه های مختلف قابل استفاده است تقاضای نسبتا پایداری دارد. ما باید علاوه بر بازارهای سنتی که داشتیم بازارهای جدیدی را در آفریقا، آمریکای لاتین، آسیای میانه و قفقاز داشته باشیم و این موضوع بستگی به هنر بخش بازاریابی شرکت های پتروشیمی دارد که بتوانند با کمک سفارت خانه ها بازارهای جدیدی را پیدا کنند. نباید روی یک بازار سنتی متمرکز بمانند زیرا مسئله تحریم ها کماکان ادامه دارد و در واقع درآمد این محصولات مهم است. نکته دیگر این است بعضی از کشورها هستند که آمادگی این را دارند که با ما تجارت پایاپای داشته باشند بنابراین ما میتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم چرا که میتوانیم هم نیازهای آن ها را تامین کنیم و متقابلاً برداشت خودمان را به جای پول آن کالای مورد نیاز را انجام دهیم. بنابراین هماهنگی با بخش های که واردات کالاهای اساسی را انجام می دهند خیلی مهم است چون ما میتوانیم در این عرصه از این ظرفیت استفاده کنیم و حتی میتوانیم ظرفیت جدیدی را برای پتروشیمی و کالاهای اساسی شناسایی کنیم که متأسفانه در حوزه کالاهای اساسی هم به صورت سنتی ما روی چندین بازار خاص متمرکز هستیم و برای بازار جدید اقدامی صورت نگرفته است.

چابهار چگونه میتواند از پتانسیل های ترانزیتی خود در جابجایی انرژی از شرق و جنوب غرب آسیا تا شمال اروپا استفاده کند؟

چابهار یک منطقه آزاد است. و باید در سطح ملی رو آن کار شود و منظور از سطح ملی بخش های مختلفی است که با سیاست های خارجی و با مسائل کلان اقتصادی مرتبط هستند. و این بخشها باید طوری برنامه ریزی کنند که این ظرفیت بالقوه در چابهار فعلیت پیدا کند. قرار بود خط راه آهن از چابهار وصل شود به زاهدان و از زاهدان هم به ترکمنستان و آسیای میانه وصل شود که این موضوع مربوط به محدوده ظرفیت های چابهار نیست بلکه بخش های دیگر مربوط به دولت باید این کار را انجام میدادند. هندی ها آن نقش بایسته ای را که برخی انتظار داشتند نتوانستند اجرا کنند. هم اکنون ایران در قرارگاه خاتم از قرار متصل به این کار است و وارد میدان شده است بنابراین ما باید به این موضوع به دریک نقشه راه بین ملی نگاه کنیم بعد ظرفیت چابهار را در این نقشه تعریف کنیم. خود چابهار ظرفیتی بالقوه و بالفعل در اختیار دارد که دارند کار انجام میدهند. البته مدیریت چابهار و مدیران چابهار وظیفه دارند که برنامه سازی کنند و بتوانند تبلیغات خوبی را در داخل و هم در ارتباط با کشورهایی که نیاز به این راه دارند انجام دهند مثل کشورهای سی آی اس، آسیای میانه و حتی طرف های چینی. ما باید برای این موضوع طرف های چینی را به نوعی با این موضوع درگیر کنیم چرا که چین قطعاً در آن جاده ابریشم دریایی خود و همچنین برای دسترسی آسان تر به آسیای میانه قطعاً به این ظرفیت نیاز دارد. و این موضوع نیاز به یک دیپلماسی دارد که یک بخش آن به وزارت خارجه و بخش دیگر مربوط به مدیران چابهار است که بتوانند با ابتکار عمل تجار چینی، دولت مردان و حتی روس ها را دعوت کنند. چون روس ها برای دسترسی به آب گرم این موضوع برایشان قابل توجه است ولی یک بخشی از آن به خودمان بستگی دارد که بتوانیم یک دورنمای روشنی از آینده همکاری و سرمایه گذاری در این حوزه برایشان ترسیم کنیم.

منطقه آزاد چابهار در چه زمینه هایی در خصوص اقتصاد بدون اتکا به نفت میتواند نقش آفرینی کند؟

چابهار و به صورت کلی مناطق اینگونه که تحت عنوان منطقه آزاد تجاری میگویند فلسفه وجودی آنها این بود که سکوی پرش صادراتی باشند. بنابراین یک بخش آن این است که ما بتوانیم از ظرفیت های چابهار به پشتیبانی دولت در عرصه های مختلف استفاده کنیم تا تولید کننده های که ارزش تولید دارند بتوانند در چابهار به این ظرفیت دست پیدا کنند و این موضوع بستگی به مدیریت چابهار دارد که بتواند تشویق کند که چابهار به عنوان میزبان تولیدات ایرانی و برقراری و برگزاری نمایشگاه های بین المللی موجب شود که ما بتوانیم کالاها را صادر کنیم و بازار پیدا کنیم. چابهار ظرفیت توریستی خوبی دارد در شمال کشور روس ها و برخی کشورهای آسیای میانه هستند که زمستان های خیلی طولانی دارند بنابراین آنها علاقه مند هستند که بتوانند به چابهار سفر کنند و از ظرفیت دریای آن استفاده کنند. به نظر من برای دور زدن تحریم مناطق آزاد ظرفیت بسیار خوبی هستند که ما از این ظرفیت خیلی نظام مند استفاده نکردیم. انتقال کالاها تکنولوژیک میتواند در دستور کار مردم منطقه آزاد باشد واردات کالاها اولیه که نیاز به فرآوری دارند باید در چابهار و مناطق اینگونه برنامه ریزی صورت گیرد مثل سنگ های قیمتی. در خصوص سنگ های قیمتی چابهار نقطه بسیار خوبی است که میشود از طرف آفریقا، سریلانکا، افغانستان و پاکستان در این جا مواد وارد و فرآوری شود و بعد از اینجا صادر شود. شهر دبی به هاب تولید و خالص کردن طلا تبدیل شده است در حالیکه بازار تولید طلا را ما خیلی بهتر از اماراتی ها میتوانیم در دست بگیریم. همکاری ما با هندی ها می توانست در این عرصه باشد که شاید بنا به ملاحظه های مختلف نتوانستند و نخواهند که در حال حاضر روی راه آهن سرمایه گذاری داشته باشند اما شرکت های بزرگی در هند هستند که می توانند در این حوزه کار کنند. که در این صورت چابهار باید تخصصی کار کند یعنی به صورت مشخص کالاها خاصی را در نظر بگیرد که این کالاها سکوی صادراتی برای تولید داخلی شود. کالاها مثل سنگ های قیمتی که در کشور هند سالانه بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار فروش آن و این حجم بسیار عظیمی است که اقتصاد هند بر این پایه گردش دارد. کشور تایلند از همین طریق توانسته به پایتخت جواهر جهان تبدیل شود.

منطقه سیستان و بلوچستان از ظرفیت بالایی برخوردار است ما در این منطقه حتی بنادر بکر و دست نخورده ایی را داریم که با یک برنامه ریزی دقیق و بلند مدت در اینجا میتوانیم شاهد این باشیم که از این ظرفیت بسیار مهم اقتصادی استفاده کنیم.

عملیات اجرایی انتقال آب از دریای عمان به استان سیستان و بلوچستان به ویژه شهر چابهار، آغاز شد؛ این موضوع چه تاثیری در توسعه تنها منطقه اقیانوسی ایران دارد؟

اثیر انتقال آب روی توسعه ملی است. چابهار ظرفیتی دارد که می توانند به راحتی آب را در آنجا شیرین کنند و جای نگرانی هم نیست که به خاطر افزایش خلوص نمک در آب های مربوطه تاثیرات اکوسیستمی داشته باشد و این فرصت بسیار خوبی است نقش چابهار میتواند موقعیت استراتژیک خوبی به چابهار برای تامین آب میدهد. چابهار باید نقش تامین آب پایدار را بازی کند. واقعیت این است که شرق کشور ما در آینده ای نه چندان دور کماکان بحران آب مواجه خواهد شد و به نسبت توسعه در این بخش از کشور رشد میکند وابستگی به آب هم بیشتر میشود. ما نمی توانیم آب را از از مناطقی مثل تاجیکستان ترانزیت کنیم چون از نظر امنیتی هم به صلاح نیست و معلوم نیست که ادامه پیدا کند. و نه میتوانیم به این موضوع امیدوار باشیم که افغان ها بتوانند به ما آب بدهند.

ضمن اینکه اگر ما آب را به این شیوه تامین کنیم هم توسعه اقتصادی خواهیم داشت هم اهرم سیاسی خوبی در تعاملات با کشورهای پیرامونی از جمله افغانستان خواهیم داشت. لذا افغان هایی که تلاش داشتند از مسئله اهرم آب علیه ما استفاده کنند این اهرم کاملا از کار خواهد افتاد و هم اکنون شرق کشور ما توانسته تا حدودی زیادی آب خود را تامین کند. چابهار باید روی این قضیه سرمایه گذاری بسیار مهمی را انجام دهد و البته تکنولوژی کشاورزی هم باید به آن توجه شود زیرا آبی که در اینجا به دست می آید آب گرانی است بنابراین ما باید با استفاده از تکنولوژی های روز صرفه های اقتصادی را در مصرف آب را تامین کنیم.

اخیرا صحبت های زیادی درباره جایگزینی مسیر چابهار به جای کانال سوئز مطرح شده است، چگونه میتوان این استراتژی ترانزیتی را به سرعت، عملیاتی کرد؟

کانال سوئز و چابهار هر کدام جایگاه خودشان را دارند زیرا کانال سوئز مقصدی است بین آسیا به سمت مدیترانه و بالعکس ضمن

اینکه جایگزینی هم ندارد مشروط بر اینکه ما بتوانیم راه ترانزیتی خود را از چابهار به سمت شمال و غرب عملیاتی کنیم در این صورت قطعاً از ظرفیت کانال سوئز کاسته خواهد شد. خط راه آهن میتواند جایگزین این راه طولانی شود که بار باید برود از باب المندب به دریای سرخ و از آنجا برسد به کانال سوئز. در حالیکه این مسیر در اینجا برای دنیا مسیر ارزانی خواهد بود.

ما باید بدانیم که مسئله ظرفیت ژئوترانزیت ایران به نوعی با مسائل راهبردی که آمریکایی ها و غربی ها در منطقه دنبال می کنند تلاقی دارد که این بستگی به هنر دیپلماسی ما دارد و اینکه ما در مناسبات بین المللی خود تا چه اندازه توفیق پیدا کنیم تا در تراز یک قدرت موثر و بازیگر معادلات را به نفع خودمان تغییر دهیم. اگر این معادلات تغییر پیدا کند قطعاً ظرفیت ژئوترانزیت ایران که یک موهبت الهی است و ایران را به هاردلند تبدیل کرده است فعلیت پیدا میکند و در معادلات منطقه ای و جهانی ایران تحول ایجاد میکند.

به نظر من مقاماتی که در این رابطه هستند باید دیدگاهی بلند مدت داشته باشند نه کوتاه مدت. چرا که در کوتاه مدت چالش ما با آمریکایی ها و غربی ها و دشمنان مان ادامه خواهد داشت اما در بلند مدت میتوانیم نتایج خوبی داشته باشیم. خط لوله گاز را به پاکستان کشیده ایم اما به پاکستانی ها اجازه بهره برداری ندادند. در آینده نه چندان دور به علت تغییراتی که در منطقه ایجاد میشود پاکستانی ها رجوع و از این ظرفیت استفاده خواهند کرد. بنابراین سایر راه ها هم به همین صورت.

روابط ما با روسیه و چین باید یک وضع راهبردی پیدا کند و در سایه این تغییرات معادلات راهبردی آن وقت ما میتوانیم بگویم که چابهار میتواند تا حدودی جایگزین ظرفیت های کانال سوئز شود ولی در حال حاضر راه کمی طولانی است.

